



# ایران ورجاوند

مجله ایران‌شناسی | سال ۱۱ | شماره ۱ | پاییز و زمستان ۱۳۹۷ | ۳۰۰۰۰ تومان

- ◆ نور و آتش در شهر سوخته
- ◆ آثار هنر کاربردی کوشانیان در باختر
- ◆ برخی از نمودهای ترجمه آثار مانی به زبان‌های ایرانی
- ◆ مطالعه ویژگی‌های معماری و تزئینی مسجد جامع مهاباد
- ◆ نقش‌های صخره‌ای نویافته دوه‌داشی در کرانه سفیدرود (قلز اوژن) شهرستان طارم
- ◆ بررسی‌های باستان‌شناسی پیرامون غارتگری‌های انجام شده در جام غور افغانستان
- ◆ کرتیر، از فراز تا فرود (خوانشی از چگونگی صدرنشینی تشکیلات روحانی در جامعه ساسانی)
- ◆ تاج‌های پادشاهان اشکانی، شواهد مربوط به سکه‌شناسی و برخی جنبه‌های ایدئولوژی سیاسی اشکانیان
- ◆ نگاهی به معبد داش‌کسن ویر (شیرین و فرهاد) و نقش برجسته چهره انسانی نویافته از روستای ویر سلطانیه

# ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



مجله ایران شناسی

سال ۱ | شماره ۱ | پاییز و زمستان ۱۳۹۷ |  
شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |  
صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: شاهین آریامنش |  
مدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گنجبری ساسانی یافت شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گنجبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتر باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری طاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گنجبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گنجبری هم اکنون در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

تهران، صندوق پستی: ۵۶۹-۱۴۵۱۵

[www.iranvarjavand.ir](http://www.iranvarjavand.ir)

[Iranvarjavand@hotmail.com](mailto:Iranvarjavand@hotmail.com)

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶



همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است.

تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

| با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



# ”سیاهه“

## سرمقاله

ایران ورجاوند شاهین آریامنش

۳

## مقاله

- ۵ نور و آتش در شهر سوخته | سیدمنصور سیدسجادی و ستاره شاهین
- ۱۹ نقش‌های صخره‌ای نویافته دوهادشی در کرانه سفیدرود (قزل‌اوزن) شهرستان طارم اعلی نوراللهی
- ۳۶ تاج‌های پادشاهان اشکانی، شواهد مربوط به سکه‌شناسی و برخی جنبه‌های ایدئولوژی سیاسی اشکانیان | مارک البریخت، ترجمه محسن سعادت
- ۶۱ کرتیر از فراز تافرود (خوانشی از چگونگی صدرنشینی تشکیلات روحانی در جامعه ساسانی) | سرور خراشادی و سیدمهدی موسوی
- ۷۹ برخی از نمودهای ترجمه آثار مانی به زبان‌های ایرانی | انریکو مورانو، ترجمه بهنام عطانی
- ۸۵ آثار هنر کاربردی کوشانیان در باختر | جنگر یاسف، ترجمه بهزاد صدقاتی
- ۹۴ مطالعه ویژگی‌های معماری و تزئینی مسجد جامع مهاباد | حامید نوری و فرید احمدزاده
- ۱۰۸ نگاهی به معبد داش‌کسن ویر (شیرین و فرهاد) و نقش برجسته چهره انسانی نویافته از روستای ویر سلطانیه اعلی نوراللهی
- بررسی‌های باستان‌شناسی پیرامون غارتگری‌های انجام شده در جام غور افغانستان | دیوید توماس و آلیسون گسکوین، ترجمه بهزاد صدقاتی
- ۱۳۲

## یادداشت

- ۱۴۴ یادداشتی به مناسبت ۴ مارچ سالروز کشف بایگانی باروی تخت جمشید | لیلا مکوندی

## پیشخوان

- ۱۵۶ بازخوانی کتاب تپه حصار | سعید باقی‌زاده
- ۱۶۰ هیتیت‌ها در آسیای کهن | شاهین آریامنش
- ۱۶۳ فرهنگ هخامنشی و سنت‌های محلی در آناطولی، قفقاز جنوبی و ایران | آرشاک ایروانیان

## درگذشتگان ایران‌شناسی

- ۱۶۵ احسان یارشاطر، الویه لوکنت، محسن ابوالقاسمی، یدالله ثمره، بهروز هم‌رنگ | آرشاک ایروانیان

## گزارش

- ۱۶۷ شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران
- ۱۷۷ میراث فرهنگی ایران را در ایران فرهنگی دریابید

## بخش انگلیسی

On the eighty-sixth anniversary of the find of the Persepolis Fortification Tablet | Wouter F.M.

Henkelman



## ایران ورجاوند

دشمنان بر آن بوده تا این پیوندهای ژرف را بگسلند و ریشه‌های عمیق را با تیشه برکنند، ایران فرهنگی که دل و دین به آن سپرده‌ایم از چشم دست‌اندرکاران مجله ایران ورجاوند دور نمانده و چاپ مقاله‌های پژوهشی و ترجمه‌ای ارزنده درباره جهان ایرانی یا ایران فرهنگی از اولویت‌های مجله ایران ورجاوند است؛ باشد که از این راه پیوندهایمان پیوسته‌تر و ریشه‌هایمان ژرف‌تر شود. همچنین معرفی و نقد کتاب‌های حوزه ایران‌شناسی و چیزهایی از این دست نیز در مجله ایران ورجاوند برگ‌هایی را به خود اختصاص می‌دهد.

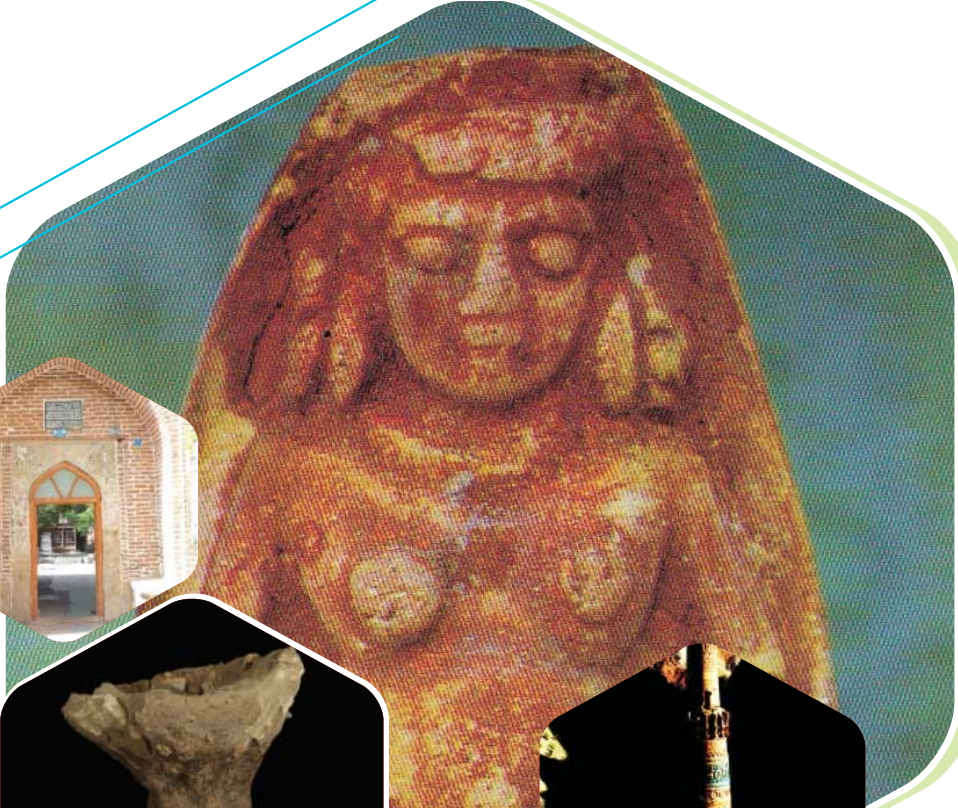
در پایان از همه گرامیان به‌ویژه نویسندگان و مترجمان ارجمند سپاسگزارم که در انتشار نخستین شماره مجله ایران ورجاوند ما را همراهی کردند. دامن سخن را برمی‌چینم با این امید که نهال باریکی که امروز در سپهر ایران‌شناسی کاشته می‌شود به سرو تناوری در آسمان ایران‌شناسی بدل شود.

یزدان پاک را از بن جان و دندان سپاسگزاریم که ما را بخت و بهره‌ای داد تا نخستین شماره از مجله ایران‌شناسی ایران ورجاوند را منتشر کنیم. مجله‌ای که می‌کوشد تا دستاوردهای پژوهشی پژوهشگران و مترجمان خطه باستان‌شناسی، تاریخ، فرهنگ، زبان‌های باستانی و دانش‌های پیوسته را منتشر کند.

تلاش دست‌اندرکاران مجله ایران ورجاوند بر آن است تا افزون بر چاپ مقاله‌های سخته و پخته پژوهشی در زمینه‌های گوناگون ایران‌شناسی، مقاله‌های ترجمه‌ای ارزنده و مهم پژوهشگران ایرانی یا ایرانی را نیز منتشر کند، مقاله‌هایی که برای شناخت تاریخ و فرهنگ گرانسنگ و ورجاوند ایران بسیار ارزشمند هستند.

با توجه به پیوندها و ریشه‌های ژرف و عمیق فرهنگی میان ایران و جهان بشکوه ایرانی که از سده‌ها بلکه هزاره‌های دور و دراز برجا بوده است و در دهه‌های اخیر تلاش





## بررسی‌های باستان‌شناسی در زمینه غارتگری‌های انجام‌شده در جام غور افغانستان\*

دیوید توماس و آلیسون گسکوین  
ترجمه بهزاد صدیقی

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

و سلجوقیان پهلو می‌زد. درخشش ناگهانی و کوتاه‌مدت آنها با شکست از خوارزمشاهیان و لشکرکشی چنگیزخان در حدود ۱۲۲۲ م پایان یافت. ویرانی‌های ناشی از حمله چنگیزخان و مغولان در سده سیزدهم میلادی باعث شد تا بسیاری از شهرها و آثار باستانی آسیای مرکزی از جمله آثار غوری با خاک یکسان شود. منار جام از این ویرانی‌ها نجات یافت و این شاید به خاطر شکوه و عظمت آن یا به دلیل اینکه دارای معانی مذهبی بود یا شاید به دلیل پتانسیل استفاده از آن به‌عنوان یک برج دیدبانی بوده است.

فیروزکوه، اگرچه، پیش از رسیدن مغولان نیز رو به اضمحلال بود. جوزجانی، مورخ اصلی دربار غوری، نوشته است که در سده سیزدهم برجی در کنار مسجد جامعی که در حمله برق‌آسا جنگجویان مغول نابود گشته وجود داشته است و اینکه چه اتفاقی پیش از آن و پس از شکست غوریان از خوارزمشاهیان در سال ۱۲۱۱/۱۲۱۰

در قرن بیستم منار جام نمادی از آثار باستانی در افغانستان معاصر بود. این منار دومین منار بلند آجری جهان جهان است که ۶۳ متر ارتفاع دارد و توسط سلطان غیاث‌الدین غوری در سال ۱۱۷۴/۱۱۷۵ م (۵۷۰ ه.ق) ساخته شده است. منار، اگرچه خود دارای وجه غنی‌ای است که در میان دره‌های مجاور قابل مشاهده است. با وجودی که فیروزکوه پایتخت تابستانی سلسله کمتر شناخته‌شده غوری است که بین سال‌های ۱۱۰۰ تا ۱۲۱۵ م بر این سرزمین حکومت می‌کردند، این منظر دربردارنده یک استقرار وسیع باستانی است. غوریان هم‌اوردانی بودند که در نهایت در سال ۱۱۸۶ م توانستند بر همسایگان شرقی خودشان یعنی غزنویان پیروز شوند. سپس، آنها سرزمین‌هایی از شرق ایران و همه افغانستان و شمال هندوستان تا دهانه خلیج بنگال را تحت کنترل خود درآوردند. این در حالی بود که قدرت آنها با همسایگان غربی‌شان یعنی خوارزمشاهیان

\* این مقاله برگردانی است از:

Thomas, David & Gascoigne, Alison, , 2006. "Recent Archaeological Investigations of Looting around the Minaret of Jam, Ghur Province", Art and Archaeology of Afghanistan, Edited by: Juliette Van Krieken-Pieters, Brill, Leiden-Boston, 155-171.



تصویر ۱. منار جام. عکس از دیوید توماس، ۲۰۰۵ م





تصویر ۲. شاخه شمالی رودخانه هری رود که چاله‌های قاجاق را نمایش می‌دهد. عکس از دیوید توماس

جوزجانی کسی که ظاهراً در این زمان در فیروزکوه زندگی می‌کرده، شرحی از عناصر تشکیل‌دهنده این شهر غوری داده است که با وجود دورافتاده بودن این منطقه، شهر و دربار آن کاملاً ثروتمند و بین‌المللی و هنری بوده است و در زمان سلطنت غیاث‌الدین فیروزکوه‌خانه بسیاری از فقها و علمای مذهبی، فلاسفه، خطیبان و شعرا بوده است. همچنین جوزجانی نوشته است که مقادیر زیادی از طلا در فیروزکوه وجود داشته است و در دژ بزرگ بازکوشک سلطان سر مناره‌ها طلاکاری بوده است و مجسمه بزرگ دو پرنده از طلا بر نوک آنها قرار داشته که ایوان و مسجد جامع آن آراسته بوده و دور ساقه گنبد آن زنجیری از طلا کشیده شده بوده است. مطابق با گزارش جوزجانی، مسکوکات و بشقاب‌های طلایی توسط پادشاه در میان مردم شهر توزیع شده بوده تا همه شهر دارای ثروت باشند.

م (۶۰۷ ه.ق) در فیروزکوه روی داده است بر ما نامعلوم است. منابع هم‌زمان همچنین گواهی می‌دهند که دژ این شهر در سال ۱۲۲۰/۱۲۲۱ م (۶۱۷ ه.ق) مقابل حمله مغولان مقاومت کرد که در این زمان جوزجانی و برادرش در میان مردم شهر بودند. در نهایت در حمله مغولان در سال ۱۲۲۲ م (۶۱۹ ه.ق) فیروزکوه سقوط کرد و مردمش قتل‌عام شدند. بخش زیادی از کاوش‌های باستان‌شناسی در جام در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ م در پی یافتن مدارک آشکار در تائید گزارش جوزجانی درباره دلیل اصلی بود؛ اما مدارک کمی به تخریبی با مقیاس بزرگ اشاره می‌کنند. این امر ممکن است بازتاب این حقیقت نیز باشد که کاوش‌های صورت گرفته محدود بوده‌اند و این بدین معنی است که که کاوش‌ها از بخش‌های پایینی و نزدیک به رودخانه دور بوده‌اند و در اثر کاوش‌های غیرقانونی وضعیت مدارک بسیار آشفته و پیچیده است.



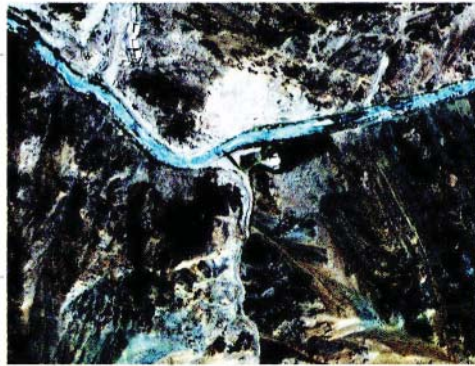
باوجودی که این گزارش دارای اغراق‌گویی‌های فراوان است و این موضوعی است به‌خوبی آشکار ولی ما نباید آن را ناچیز بینداریم زیرا این داستان‌ها می‌توانند زمینه را برای حفاری‌های قاچاق در عصر مدرن فراهم کنند.

### منار جام

محوطه باستانی جام در محل به هم پیوستن دو رودخانه هری‌رود و جام‌رود در حدود ۲۱۵ کیلومتری شرق هرات در ولایت غور در مرکز افغانستان واقع شده است. منار جام تا زمان کشف مجدد آن توسط جهان خارج فراموش شده بود، تا اینکه هیئت تعیین حدود مرزی افغان آن را در خلال مأموریت خود در سال ۱۸۸۶ م آن را از نو کشف نمود. یک هیئت فرانسوی در سال ۱۹۵۷ م بر روی مطالعه این منار تمرکز نمود و چندین مطالعه و بررسی در مقیاس کوچک انجام داد. تعداد کمی از پژوهشگران دیگر نیز فرصت بازدید از این مکان را یافتند. اجازه بدهید تنها به محوطه بپردازیم. به دلیل اینکه منار در نقطه‌ای دور از دسترس واقع شده و آشفتگی‌هایی که در دهه‌های گذشته وجود داشته است، در سالیان اخیر منار اندکی انحراف پیدا نموده که در نتیجه، آندرتا برونو، مطالعات معماری‌ای را پیرامون استحکام‌بخشی این سازه باستانی انجام داده و برنامه حفاظتی‌ای به کار بسته است تا این منار را حفظ نماید. در سال ۲۰۰۲ م، یونسکو، پی به اهمیت بین‌المللی جام و آثار باستانی آن برد و این محوطه باستانی را به‌عنوان نخستین محوطه افغانستان در فهرست آثار جهانی ثبت نمود. با این وجود محوطه مجاور منار جام نسبت به خود منار با خطر بیشتری نسبت به نابودی میراث فرهنگی و باستانی روبه‌رو بود و این خطر ناشی از حفاریات گسترده قاچاق جهت یافتن عتیقه در سالیان اخیر بود.



تصویر ۳. چاله‌های قاچاق در شاخه شمالی رودخانه هری‌رود. عکس از دانیلا روزتی و مارتینا روجیاردی



تصویر ۴. تصویر ماهواره‌ای نمایی از دید پرنده که GPS ایرادات آن را تصحیح کرده است. و منار در میانه تصویر قرار دارد. تصویر از کوین وایت

تدوین استراتژی جهت مدیریت و اداره این مکان در آینده. بر اساس گزارش بازدیدکننده‌ها و مقایسه آن‌ها با عکس‌های هوایی اخیر و عکس‌های گرفته‌شده توسط فرانسوی‌ها در سال ۱۹۵۹ م، بر ما نمایان شد که غارت‌ها بسیار گسترده بوده است، به‌ویژه در زمان حکومت گروه‌های جهادی و طالبان (۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰ خورشیدی، مترجم) و این در حقیقت خود یک موضوع مطالعاتی را پدید آورد. اهمیت گزارش غارت در خلال مصاحبه با مردم نشان از گستردگی حفاری‌های و قاچاق و همچنین نشان‌دهنده سازماندهی شده بودن آن توسط شبکه‌ای از واسطه‌های خارجی در نیمه دهه ۱۹۹۰ م تا اوایل ۲۰۰۰ م داشت.

بر اساس اطلاعات ما ویرانی در مقیاس گسترده اکنون پایان پذیرفته است، اگرچه، در غیاب تحقیقات باستان‌شناختی و کنترل بر جام تحقیق در این زمینه ممکن نیست. پیشنهاد شده است تا کارهای زیربنایی و اساسی از جمله برنامه ساخت چندین جاده و پل در نزدیکی منار انجام شود. همچنین خطرات تهدیدکننده مطالعات اندک باستان‌شناسی در منطقه جام مشخص شود و یک مسیر مشخص بر اساس مطالعات باستان‌شناسی انجام‌شده در سال ۲۰۰۳ م ساخته شود. البته بعضی از کارهای مقدماتی ساخت جاده شروع شده است.

### بررسی چاله‌های قاچاق

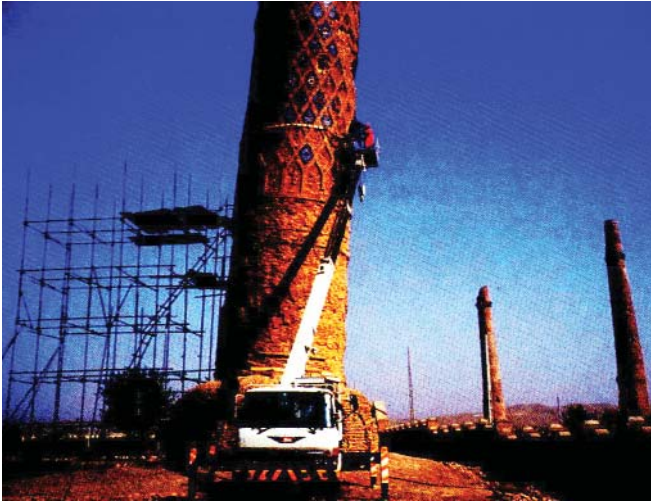
بسیاری از دره‌های اطراف منار چاله‌های گودی را که دزدان حفر کرده‌اند در خود دارند که گاهی هریک بیش از چندین متر طول و عمق دارند. حتی دور بودن و دسترسی سخت به این محوطه‌ای مانند نوک کوه سنگ خارا و حصار قصر زرافشان مانع از

### پروژه باستان‌شناسی منار جام (MJAP)

پروژه باستان‌شناسی منار جام به ابتکار ایزیو و با حمایت یونسکو و مؤسسه باستان‌شناسی افغانستان (NAIA) به صورت یک فصل مطالعات مقدماتی باستان‌شناسی در آگوست ۲۰۰۳ م انجام شد. فصل دوم این کاوش‌ها که مطابق با برنامه‌ریزی پروژه قرار بود در سال ۲۰۰۴ م اجرا شود اما این امر در لحظات آخر به دلیل نگرانی‌های امنیتی به تعویق انداخته شد. در نتیجه فصل دوم کاوش‌ها در سال ۲۰۰۵ م به سرپرستی دیوید توماس انجام شد. این زمان این پروژه یک پروژه غیر وابسته بود.

یک هیئت متشکل از چندین گروه منضبط از پژوهشگرانی از کشورهای بریتانیا، اتریش و ایتالیا در سال ۲۰۰۵ م در کنار یکدیگر با همراهی همکاران ما در مؤسسه باستان‌شناسی افغانستان با موافقت یونسکو کار می‌کردند.

هدف اصلی این پروژه بررسی غارت‌های انجام‌شده از محوطه بود که سابقاً در مدت محدودی خسارت‌هایی به این محوطه زده بودند، در کشاکش میان حفاظت از آنچه باقی‌مانده و



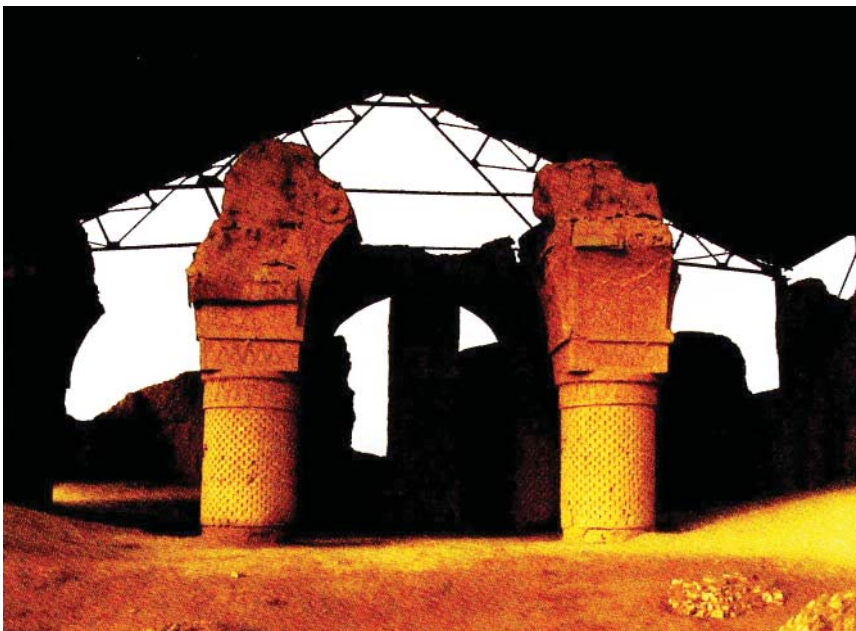
تصویر ۵. مناری در هرات در دست مرمت، متعلق به قرن ۱۵ م، عکس از یونسکو

غارث آنها نشده است. در کوشش جهت اطلاعات بیشتر در مورد چاله‌های قاچاق و محدودیت ما در برخورد با آثار موجود، کار سال ۲۰۰۳ م عجله‌ای و متمرکز بر یک سرایشی روبه روی منار در طول مسیر جاده پیشنهادی و پلی بر شاخه غربی جام رود. ما ده چاله قاچاق را بررسی کردیم و قطعاتی از آثار معماری از جمله سنگ و آجر پخته دیوارها و اندود سطح را شناسایی نمودیم.

همه این موارد قابل پیش‌بینی در آثار غارث شده به دست آمده‌اند همچنین ما توانستیم چیزهای کوچک دیگری را نیز در میان بی‌شمار قطعاتی که یافتیم بیابیم، از جمله قسمت‌هایی از اندود نقاشی شده دیوارها و تعداد محدودی سفال به شمول سفال لعاب‌دار از ظرف‌هایی تکه‌تکه شده و همین‌طور قطعاتی از یک ظرف شیشه‌ای و دو عدد سکه که بهتر محافظت شده بودند و به دوره سلجوقی تعلق داشتند و به حدود سال‌های اوایل قرن دوازدهم میلادی تاریخ‌گذاری شده‌اند.

با وجود محدودیت‌ها این یافته‌ها در نشان دادن واردات نشانه‌ای عالی محسوب می‌شوند و نشانگر سطح بالای زندگی و ارتباط آن با صنایع ظریف در قرن دوازدهم میلادی است که در جام رو به رشد بوده است به طوری که در گزارش‌های مداوم درباره این شهر آمده است. غارث اشیاء عتیقه جام و محوطه‌های باستانی پیرامون آن را تکه‌تکه کرده است و خساراتی زده است که شواهد آن حتی در تصاویر هم معلوم است. به طور کلی

تعداد زیادی از چاله‌های قاچاق باقی مانده است. این بسیار برای مؤسسه باستان‌شناسی افغانستان و یونسکو دشوار است تا این مکان را کنترل کرده و برنامه توسعه مدیریتی میراث فرهنگی این محوطه را اجرا نماید. از این رو، یکی از کمک‌های اصلی سال ۲۰۰۵ م، تلاش برای ثبت تعداد چاله‌های قاچاق موجود در این محوطه و تهیه نقشه‌ای از موقعیت آنها و گردآوری اطلاعات درباره چگونگی محافظت بود. در نهایت، کوشش کردیم از فناوری‌های نوین جهت کمک به مؤسسه باستان‌شناسی افغانستان و یونسکو در این پروژه استفاده کنیم. موجود بودن تصاویر دقیق ماهواره‌ای که هر پیکسل آن ۶۰ سانتی متر بر روی زمین است و سیستم موقعیت‌یاب جهانی (GIS) به نظر می‌رسد یکی از راه‌های پیشنهادی جهت حل این مشکل باشد که آن را سفارت بریتانیا در کابل با بخشندگی فراوان از طریق خرید دو ماهواره تصویری فراهم کرد که بخشی از زمان تحقیق ما را در جام به خود اختصاص داد. ما به زودی محدودیت‌های استفاده از این فناوری را دریافتیم



تصویر ۶. مسجد نه گنبد بلخ. قرن نهم میلادی. عکس از آنا رودریگز، کاتالوگ اسپچ

نمودیم. در انتهای روز نخست، این موضوع کاملاً بر ما آشکار شد که کوشش جهت این امر غیرعملی است زیرا وقت و منابع ما محدود بود. در نتیجه، ما تصمیم گرفتیم تا برای نمونه روی ۵۰ متر از بخش غربی انتهای سرازیری تمرکز کنیم؛ که به طول ۲۲۵ متر رو به بالا از هری رود تا قصر زرافشان کشیده شده بود و ما توانستیم در این بخش از روی قرائن تعداد چاله‌های قاچاق را بر شیب تپه را برآورد کنیم.

در انتهای فصل ما توانستیم تعداد ۱۲۱ چاله را در این نوار پهن ۵۰ متری شناسایی کنیم. همچنین میزان مناطقی که قاچاقچیان حفاری کرده‌اند بالغ بر  $1/245$  متر مربع بود. این می‌رساند که ۱۱ درصد این مکان غارت شده است. این به این معنی است که در خلال یک فصل کاوش باستان‌شناسی معمولاً فقط ۱ تا ۲ درصد از یک محوطه حفاری می‌شود که این رقم برابری

و به‌خوبی به توانایی‌ها و خطرات آن در تراز کردن آن بر روی سرازیری‌های تند پی بردیم. این امر مرهون فداکاری‌های هیئت بود که ما کاملاً این شرایط سخت را بدون مصدومیت تحمل کنیم.

ما در کاوش‌های سال ۲۰۰۵ م شاخه شمالی رودخانه هری رود را به‌عنوان نقطه تمرکزمان برای مطالعه انتخاب نمودیم که به‌ویژه تأثیرات بدی از غارت‌های پیشین در آن دیده می‌شد. نخستین نقطه‌ای که ما برای ثبت و ضبط چاله‌های قاچاق با آن روبه‌رو شدیم در آن سوی رودخانه واقع شده بود. گروه ما نخست دو کار انجام داد، اندازه گرفتن حداکثر اندازه طول و عرض و عمق هر یک از چاله‌ها قبل از کشیدن طرح اسکس از آنها و تشریح هرچه از معماری قابل مشاهده بود به همراه قطعات سفالی که در یک متر مربع در چاله قاچاق انباشته شده بود. ما همچنین سفال‌ها و اشیایی را به تشخیص خود جهت مطالعه و تحقیق جمع‌آوری



می‌کند با فصل‌ها کاوش (بر این اساس عمق هر نقطه‌ای را که قاچاقچیان حفاری کرده‌اند تقسیم بر دو می‌شود. بر اساس شیب دره). ما همچنین برآورد کرده‌ایم که این دزدان توانسته‌اند ۱۰/۳۱۰ مترمربع از خاک این محوطه کوچک را جابه‌جا کنند. اگرچه چاله‌های قاچاقچیان مربع شکل نبودند ولی ما حداکثر اندازه آنها را محاسبه نمودیم ولی اعتقاد داریم که این واقعیت است و خطای احتمالی می‌تواند ناچیز باشد. تعداد زیادی از این چاله‌های قاچاق از آنچه به نظر می‌رسید بسیار عمیق‌تر بودند و توده‌های بزرگی در پایین شیب تپه احتمالاً از خاک این چاله‌های قاچاقی که ما شمارش کردیم یا دیگر کاوش‌های غیرقانونی پدید آمده بود. حدود ۶۹ درصد از این چاله‌ها حاوی بقایای قطعی یا احتمالی معماری بودند. به علاوه، ما شمارش کردیم ۳۸۶ قطعه سفال برای نمونه از یک مترمربع در یکی از این توده خاک‌های انباشته‌شده به دست آمد. از آنجاکه این محدوده در حدود ۱۵۰ متر طول و ما برآورد کردیم نمودیم که در حدود ۳۶۰ چاله قاچاق در دامنه این تپه وجود داشت و این درجه تخریبی است که غارت آثار عتیقه فقط به یکی از سرازیری‌های آثار باستانی باقی‌مانده در جام وارد کرده است.

بخش بعدی کار مطالعه و بررسی ما استفاده از تصاویر ماهواره‌ای و برداشت عکس‌های دیجیتال از چاله‌های قاچاق بود و تلاش جهت بررسی ارتباط آنها از طریق همین موارد بود.

ما بر آن شدیم تا از فناوری کنترل از راه دور با کیفیت بالا به منظور شناسایی و برآورد فضایی چاله‌ها استفاده کنیم و توالی آنها را به صورت یک نمودار تاریخی با مقایسه با تصاویر قدیمی ماهواره‌ای یا عکس‌های هوایی که برای نخستین بار در سال ۲۰۰۳ م گرفته‌شده است بیابیم. دیگر نتیجه این کار این است که این امکان وجود دارد تا از تصاویر ماهواره‌ای به‌عنوان راهی جهت کنترل

کاوش‌های قاچاق در جام و دیگر محوطه‌های باستانی استفاده شود.

این پروژه چندان آسان نیست. اگرچه که تصاویر ماهواره‌ای برای ما بسیار گویا هستند، همکار ما دکتر کوین وایت، کسی که متخصص سیستم کنترل از راه دور است، اشاره دارد که انحنای روی زمین و عوارض آثار باستانی و ژرف‌نمایی (پرسپکتیو) موجود که در عکس‌ها آمده است، ممکن است ما را در نتیجه‌گیری دچار اشتباه سازد.

در نتیجه، ما یک روز را صرف پیمایش زمینی و کوشش جهت عکاسی از همه سنگ‌ها و عوارض کنار رودخانه و دره کردیم و از GIS برای خواندن آسان‌تر عوارض شناسایی‌شده توسط عکس‌های هوایی استفاده نمودیم. همچنین از برنامه‌های کامپیوتری جهت اصلاح اشتباهات بهره بردیم. برای از بین بردن این اشتباهات یک نسخه تصحیح‌کننده به کار رفت. پروژه بسیار زحمت برد و ما حساس کردیم با بررسی پیمایشی در تپه کنار رودخانه (با شناسه قراردادی NBHR) توانستیم چاله‌های قاچاق بیشتری را شناسایی کنیم اما استفاده از عکس‌های هوایی به ما کمک می‌کند تا چاله‌های قاچاق را به شکل دیگری مشخص نماییم. به عبارت دیگر ترکیب این دو شیوه احتمالاً بهترین راه حل مشکل ثبت و ضبط چاله‌های قاچاق است.

### چاله قاچاق ۲۰۱

نکته‌ای که در پایان باید به آن اشاره کرد که نسبتاً خستگی ناشی از بررسی چاله‌های قاچاق را جبران کرد، با وجودی که آنها خسارات عظیمی بر جای گذاشتند، این است که چاله‌های قاچاق پنجره‌ای را رو به ما باستان شناسان نسبت به فعالیت‌های پنهانی در محوطه‌های باستانی می‌گشاید. بیشتر چاله‌های قاچاق بدون دخل و تصرف در محوطه

است ولی گاهی یکی از آنها مانند چاله شماره ۲۰۱ بسیار جالب است. چاله ۲۰۱ یک اتاق کاملاً متعلق به عصر غوری را بر ما نمایان ساخته است که به ابعاد ۲/۶ در ۳/۸ است. دیوارهای این اتاق با سنگ ساخته شده و با دو لایه اندود زمخت و خشن پوشیده شده است و در نهایت یک لایه اندود سفیدرنگ روی آن به کار رفته است. آجرهای منقوش روی سقف قابل ردیابی است و آثار طاق بر روی دیوارهای شمالی و شرقی هنوز قابل مشاهده است که اطلاعات بی نظیری را پیرامون شیوه سقف سازی محلی غوری به ما می دهد و این در حالی است که بر روی دیوارهای غربی، ما پنجره‌ای پوشیده نشده به ابعاد یک متر طول و هفتاد و پنج سانتی متر عمق می بینیم. حتی بیشتر قطعات به صورت توده‌ای از آوار در کنار بقایای دیوار گوشه شمال شرقی اتاق قرار دارد. ما به دقت این انباشت را که دزدان از آن صرف نظر کرده بودند و به دقت حفظ نشده بود کاویدیم که در نتیجه آن یک طاقچه جای فانوس گنبد دار با ارتفاع ۴۵ سانتی متر به دست آمد، جای شگفتی است که این تورفتگی هنوز سالم بود و دارای قطعات کوچکی از سفال‌های دارای لعاب سبزرنگ متعلق به یک فانوس بود که بر روی آن آثار دودزدگی دیده می شد. این امر ما را امیدوار کرد تا چیزهای بیشتری در این انباشت و کف اتاق بیابیم و ما شرع به کاوش در بقایای غارت شده قاچاقچیان در این مکان بودیم. متأسفانه، پس از رسیدن به عمق ۲/۶ متر از سقف شکاف کنار ترانشه به شکل ناپایداری درآمد و ما مجبور شدیم دست از ادامه کار بکشیم. کاوش انجام شده، با این وجود، بخش مرکزی این بنا را با ستون‌های دارای اندود که از یک سقف آجری پشتیبانی می کردند را بر ما معلوم کرد. لازم است بگویم، ما امیدواریم که به این چاله قاچاق در آینده بازگردیم و آن را کاملاً کاوش کنیم.

## سفال‌های به دست آمده از چاله قاچاق

سفال اسگرافیاتو نوع بامیان

با یک نظر اجمالی در بسیاری از وبسایت‌های فروش عتیقه معلوم می شود که بخش عظیمی از سفال‌های اسلامی عتیقه به افغانستان تعلق دارند. شاید بخش عمده‌ای از تولیدات عرضه شده تحت عنوان -ظروف نقش کنده زیر لعاب بامیان (اسگرافیاتو بامیان)- که عمدتاً به شکل کاسه‌های بزرگ هستند صرفاً تعدادی از این نوع ظروف هستند، بسیاری از آنها که در شرایط بهتری قرار دارند را از طرق گوناگون می توان فهمید که اخیراً ساخته شده‌اند و جعلی هستند. اگرچه، در میان این لیست گاهی سفال‌های سالم نیز دیده می شود که بر طبق اطلاعات ما از منابع محلی توسط قاچاقچیان یافت شده و به فروش رفته‌اند. در کاوش‌های سال ۲۰۰۵ م در همه جای این محوطه به طور مشخص قطعات این نوع سفال یافت شده است (سفال اسگرافیاتو نوع بامیان بالغ بر ۳۷ درصد قطعه سفال‌های طراحی شده لعابدار را به خود اختصاص داد). مایلیم تا تصدیق کنم که حداقل بعضی از آن ظروف برای فروش از غارت محوطه‌هایی نظیر جام به دست آمده‌اند. بنابراین، مجموعه‌داران هنر اسلامی باید از خرید این نوع اجناس دوری کنند. به این دلیل که هر یک از این سفال‌های گران قیمت ممکن است جعل یا قاچاق باشند.

در شرح عنوان جهت معرفی ظروف اسگرافیاتو نوع بامیان در مکان فروششان آمده است که آنها بسیار جذاب هستند و این گونه سفالی کمتر شناخته شده است. عنوان بامیان فقط به این دلیل ضمیمه این ظروف شده است که نخستین بار در محوطه بامیان به دست آمده‌اند؛ و تا حال هیچ کار و تحقیقی جهت فهمیدن مکان ساخت آنها انجام نشده است و محل تولید آنها تاکنون ناشناخته مانده است. اگرچه خاک رس

استفاده شده مشخصاً متفاوت است با ظروفی که در محل تولید شده و در جام یافت شده‌اند و مشخصاً دارای منشائی خارج از جام هستند.

مؤسسه باستان‌شناسی افغانستان با سخاوت مجوز خروج نمونه قطعات این سفال‌ها را دارد و ما در این پروژه یک مقطع نازک از آنها را جهت نمونه آنالیز تهیه نموده و با خاک صاف شده محل مطابقت دادیم. علاوه بر قطعات سفال نوع بامیان، قطعات ظروف دست‌ساخت و چرخ ساخت محلی نیز توسط پروژه جام جهت تحقیق فرستاده شدند. قطعاتی از سفال قالبی پرکار و ظروف چینی لعاب‌دار و دیگر ظروف لعاب‌دار به شمول قطعات شکسته کاشی که یکی از آنها از خود مناره افتاده بود. اگرچه آنها هنوز با نمونه داده‌های به دست آمده از افغانستان مطابقت داده نشده‌اند ولی بر اساس نتایج به دست آمده احتمالاً با نمونه‌های مشابه از محوطه‌ای در ایالت سرحدی شمال غربی پاکستان و نمونه‌هایی در ایران ارتباط دارند. نمونه آنالیزها توسط همکار ما دکتر کمرون پتری در دانشگاه کمبریج انجام شده است. این به بدان معنی است که امیدواریم تا این با کار پرتوی بر منشأ این ظروف سفالی مهم انداخته شود که در کدام نقطه دیگر بوده است و چه ارتباط تجاری‌ای با جام داشته است. متأسفانه با این وجود، مدارک باستان‌شناسی زیادی تا الآن از میان رفته است. حتی قبل از این که بسیاری از مطالعات پایه‌ای علمی انجام شود.

### دیگر ظروف لعاب‌دار مهم

سفال نوع بامیان به احتمال زیاد در یک شکل استاندارد در میان مردم غوری مورد استفاده قرار می‌گرفته است. با وجودی که این محوطه هنوز انواع دیگری از سفال لعاب‌دار را نیز وارد می‌کرده است. به ویژه سفال‌های نفیس مینایی و زرین فام. ظروف مینایی، تزئین شده بودند با تکه‌های ظریف

مینا و ظاهراً فقط حدود چهل سال تولید می‌شدند و حدود سال ۱۲۲۰ م تولید آن پایان یافت (تقریباً حدود زمان حمله مغولان، مترجم). سه تکه سفال مینایی در خلال کاوش‌های سال ۲۰۰۵ م شناسایی شد که دو مورد از آنها با ورقه‌های طلا تزئین شده بودند. سفال نوع زرین فام رایج‌تر بوده، همچنین سفال فیروزه‌ای با خمیره چینی نیز رواج داشته است. این قطعات نشانگر ارتباط تجاری مابین جام و مراکز تولید سفال در ایران یعنی جایی که تولیدات مشابه نمونه آن انجام می‌شده است. همین‌طور، جای امیدواری است که برنامه به فهمیدن منشأ این نوع ظروف با پراکندگی وسیع آن بیانجامد. در محوطه همچنین یک نوع سفال وارداتی از نوع سلادن چینی به دست آمده است که نشان‌دهنده نقش ارتباطی گسترده جام با سرزمین‌های شرقی همچون غرب است.

با وجودی که مطالعات آماری روی مواد به دست آمده از جام هنوز در دست انجام است، وضعیت سفالینه‌های لعاب‌دار جمع‌آوری شده نسبت به آنچه ما از یک پایتخت پادشاهی انتظار داشتیم بسیار فراتر است. بر اساس یک کار تطبیقی، با کارهای باستان‌شناسی در لایه‌های باستانی شهر کهن قاهره که از سال ۱۹۹۸ م زیر نظر و با حمایت مرکز پژوهش‌های آمریکایی در مصر که به سرپرستی پیتر شیهان در حال انجام است. مواد سفالی عظیم و ارزشمندی را پوشش نمی‌دهد، در طول این مدت (فقط دو تکه سفال زرین فام به دست آمده است. البته از نوع مصری نه از نوع تولیدات ایران) و تنها یک تکه سفال چینی (پرسیلین) یافت شده است. موقعیت جام شاید نقش طبیعی آن را به عنوان یک شهر درباری و سلطنتی بر ما روشن کند که در غیر این صورت نیز سرزمینی با پراکنش جمعیتی زیاد بوده است. در حالی که در انباشت‌های قاهره کهن در آوارهای خود از نمونه‌هایی را از ثروتمندان و فقرا باهم دارد،

در جام در دوران سده‌های میانی دربار ارتباط زیادی با جامعه داشته است و آنها غنی‌تر بوده‌اند و شاید این نمونه‌ها جهت احتیاجات جهانی برای صادرات به قیمت گران خلق می‌شدند. همچنین این مورد نیز امکان‌پذیر است که این‌ها از جمله سفالینه‌های با کیفیت بالا حاصل غنیمت‌های جنگی لشکرکشی‌های غوریان باشند؛ که حتی سفال‌هایی که از غارت در امان مانده‌اند نیز نشان‌دهنده توانگری و ثروت مردم این ناحیه است.

### کتابچه آموزشی و کمک‌های توسعه‌ای (انکشافی)

تحقیق ما پیرامون چاله‌های قاچاق جام آشکارا ابعاد مشکل کاوش‌های غیرقانونی را در آنجا نشان داد. اگرچه غارت در مقیاس بزرگ اکنون ظاهراً متوقف شده است ولی بعضی از مردم نگاه دوگانه را نسبت به اهمیت این محوطه باستانی دارند و در واقع نگران این هستند که فعالیت‌های باستان‌شناسی مانع از پیشرفت زیربنایی و اقتصادی آنها شود. در نتیجه، ما احساس کردیم که پروژه‌مان باید شامل برنامه‌هایی جهت آموزش و رشد و توسعه مردم محلی نیز بشود. تنها طرح اساسی‌ای که منابع به ما اجازه می‌داد. تهیه دو رساله از کار یا پژوهشمان بود که آنها را نوشتیم و جهت چاپ آماده کردیم که شامل یک کتابچه در رابطه با جام و غوریان و یک برآورد از آنچه نیاز است اهالی محل در حال حاضر انجام دهند بود. پروژه منار جام یک پروژه مقدماتی است، بنابراین در آن محدودیت‌هایی وجود دارد که ما با آنها روبه‌رو بودیم. با این حال، ما امیدواریم که اینها صورت ظاهر پروژه ما باشد و ما در عوض بتوانیم کار میدانی‌مان را در این منطقه ادامه بدهیم و همچنین بتوانیم مردم محلی را متقاعد کنیم که بقایای آثار باستانی بخش مهمی از میراث آنها هستند و در طولانی مدت می‌تواند منبعی جهت

اشتغال آنها باشد-نسبت به غارت آن در کوتاه‌مدت -من مایلیم که بگویم که می‌تواند ساده‌لوحانه باشد این‌که فکر کنیم که غارت و چپاول این محوطه- پس از بازدید کوتاه ما از آن -کاملاً متوقف خواهد شد. اما من امیدوارم که آن حداقل محروم از آن‌اند که رابطه خوبی با فرمانده محلی شبه‌نظامیان برقرار سازند در حالی‌که در تلاش برای این امر هستند.

در جام تنها یک محوطه تک دوره‌ای مؤثر به چشم می‌خورد و بنابراین به محققان فرهنگ دوره میانی اسلامی توصیه می‌شود تا فرصت بی‌نظیر مطالعه روی زمین را از دست ندهند. از این‌رو، منار جام فقط بخشی از نخستین منظر باستان‌شناسی منحصر به فرد افغانستان است که در فهرست آثار جهانی ثبت شده است بلکه آثار دیگر باستانی هم هستند که دارای ارزش فراوان مطالعاتی‌اند. اگر ما به منار توجه کرده و به فهم شهر باستانی فیروزکوه و غوریان مبادرت نکنیم در واقع فقط به یک جنبه توجه کرده‌ایم. رسیدگی کردن به منار در بستر خودش به‌عنوان یک شهر غوری، از آنجاکه آن منطقه یک منطقه ویژه زیست‌محیطی و باستانی است ما امیدواریم که کارهایمان را فصول آینده ادامه بدهیم، البته اگر با درخواستمان موافقت شود.

همچنین، از آنجاکه ما دانشمندان خارجی هستیم علاقه‌مند هستیم که با پژوهشگران خوش‌برخورد افغان مرتبط گشته و گزارش کارهایمان را به دري در قالب دو کتابچه دوزبانه درباره جام و غوریان برای بزرگسالان و کودکان منتشر کنیم. این برنامه کوچک ما همراه خواهد بود با توضیحاتی از غارت‌های عتیقه‌جویی که اگر ما از مشکلاتی که این روزها مردم جام-که اضافه می‌شود بر مشکلاتشان در این بخش دورافتاده افغانستان- با آنها روبه‌رو هستند چشم‌پوشی کنیم. کوشش می‌کنیم تا افزایش دهیم کمک‌های توسعه‌ای خودمان را و در مقیاس کوچک ابتدا از



پروژه خودمان آغاز می‌کنیم. همچنین لازم است تا گردآورندگان آثار در غرب متوجه خسارات عظیمی که با کاوش‌های قاچاق انجام شده است بشوند و از سوخت‌گیری و بهره‌وری از میراث فرهنگی ویران‌شده افغانستان که بی‌شک زادگاه آثار درخشانی است، خودداری کنند.

### کتاب‌نامه

- Ball, W. 1982 *Archaeological Gazetteer of Afghanistan 1*, Paris.
- Gardin, J. C. 1957 "Poteries de Bamiyan", *Ars Orientalis* 2, 227-45.
- Herberg, W. 1976 'Topographische Feldarbeiten in Ghor. Bericht über Forschungs arbeiten zum Problem Jam-Ferozkoh', *Afghanistan Journal* 3, 2, 57-69.
- Juzjani 1881 'Uthman ibn Siraj al-Din. Tabakat-i-Nasiri. A General History of the Muhammadan Dynasties of Asia, including Hindustan, from A.H. 194 [810 A.D.), to A.H. 658 [1260 A.D.), and the Irruption of the Infidel Mughals into Islam, translated by H. G. Raverty, London.
- Marica, A. & G. Wiet 1959 *Le Minaret de Djam. La Découverte de la Capitale des Sultans Ghorides (XII-XIII siècles)*, Paris.
- Sourdell-Thomine, J. 2004 *le Minaret Ghouride de Jam. Un chef d'oeuvre du XIX siècle. Mémoires de l'Académie des Inscriptions et Belles Lettres* 29, Paris.
- Thomas, D. C., G. Pastori & I. Cucco 2004 'Excavations at Jam, Afghanistan', *East and West* 54, 87-119. - 2005 «The Minaret of Jam Archaeological Project (MAP)», *Antiquity On-line Project Gallery*, March 2005 (available on <http://antiquity.ac.uk/ProjGall/thomas/index.html>).
- Vercellin, G. 1976 'The Identification of Firuzkuh. A Conclusive Proof', *East and West*, 26, 337-40.
- Watson, O. 2004 *Ceramics from Islamic Lands*, London.



# “Contents”

## Article

Iran-e Varjavand   Shahin Aryamanesh	3
Light and Fire in Shahr-e Sokhteh   Seyyed Mansour Seyyed Sajjadi	5
Davahdashi Rock Relief in the Sefidrud (Qizil Ūzan) Taram City   Ali Nourollahi	19
Parthian Kings Tiara- Numismatic Evidence and Some Aspects Arsacid Political Ideology   Marek I. Olbrycht, Persian translated by Mohsen Saadati	36
Kartir, from Uphill to Descent   Sorour Khorashadi & Seyed Mehdi Mousavi	61
Some Aspects of the Translation into Iranian Languages of the Works by Mani   Enrico Morano, Persian translated by Behnam Ataei	79
Works of applied art from Kushan Bactria   Jangar Ilyasov, Persian translated by Behzad Sedaghati	85
The Study of the Architectural and Decorative Features of Mahabad Central Mosque   Hamid Norasi & Farid Ahmadzadeh	94
Dashkasan Temple of Viyar (Shirin & Farhad) and Rock Relief of the Human Face from the Village of Viyar, Soltaniyeh   Ali Nourollahi	108
Recent Archaeological Investigations of Looting around the Minaret of Jam, Ghur Province   Thomas, David & Gascoigne, Alison, Persian translated by Behzad Sedaghati	132

## Commentaries

The Anniversary of the find of the Persepolis Fortification Tablet   Leila Makvandi	144
---	-----

## Critique and Book Review

Review of Tepe Hissar   Saeid Baghizadeh	156
Review of Achaemenid Culture and Local Traditions in Anatolia, Southern Caucasus and Iran   Arshak Iravanian	160
Hittites in Asia Minor   Shahin Aryamanesh	163

## Obituary

Ehsan Yarshter, Olivier Leocont, Mohsen Abolghasemi, Yaddollah Samareh, Behrouz Hamrang   Arshak Iravanian	165
--	-----

## Reports

16 <sup>th</sup> Annual Symposium on the Iranian Archaeology	167
--	-----

## English Section

On the eighty-sixth Anniversary of the find of the Persepolis Fortification Tablet   Wouter F.M. Henkelman	3
--	---



# ایران ورجاوند



| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |  
| Persian Journal Of Iranain Studies |  
| Vol. 1, No.1, Autumn & Winter 2019 |

Concessionaire, Manager in Charge  
and Editor-in-chief:

| **Shahin Aryamanesh** |

Managing Editor: **Houshang Rostami**

---

 Tehran, Iran, Post box: 14515-569  
 [www.iranvarjavand.ir](http://www.iranvarjavand.ir)  
 [Iranvarjavand@hotmail.com](mailto:Iranvarjavand@hotmail.com)  
 +98 9395969466

---

All rights reserved. No part of this  
publication may be reproduced,  
stored in a retrieval system or trans-  
mitted in any form or by any means,  
electronic, mechanical, photocopy-  
ing, recording or otherwise, without  
prior permission in writing, form the  
publisher.

---

With Contributions by

| **Tissaphemes Archaeological Research Group** |





Persian Journal of Iranian Studies / Vol. 1 / No. 1 / Autumn & Winter 2019



ایران  
ورجاوند  
Iran-e Varjavand  
(Glorious Persia)

- ◆ Kartir, from Uphill to Descent
- ◆ Light and Fire in Shahr-e Sokhteh
- ◆ Works of Applied Art from Kushan Bactria
- ◆ Davahdashi Rock Relief in the Sefidrud (Qizil Üzan) Taram City
- ◆ Some Aspects of the Translation into Iranian Languages of the Works by Mani
- ◆ The Study of the Architectural and Decorative Features of Mahabad Central Mosque
- ◆ Parthian Kings Tiara- Numismatic Evidence and Some Aspects Arsacid Political Ideology
- ◆ Recent Archaeological Investigations of Looting around the Minaret of Jam, Ghur Province
- ◆ Dashkasan Temple of Viyar & Rock Relief of the Human Face from the Village of Viyar, Soltaniyeh